



REVIEW ARTICLE

Factors Increasing the Local Content & its Achievements in the Industrial Development of Countries; Systematic Literature Review

Hossein Hirani¹, Nasser Bagheri Moghadam^{2*}, Alireza Mosayebi³

1- Assistant Professor, Technology Management, Science & Technology Research group, National Research Institute for Science Policy, Tehran, Iran

2- Assistant Professor, Science & Technology Research group, National Research Institute for Science Policy, Tehran, Iran

3- PhD in Science & Technology Policy, Iran University of Science & Technology, Tehran, Iran

Corresponding Author's Email: Bagheri@nrsp.ac.ir



<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.87995>

Received: 9 October 2021
Accepted: 20 February 2022

ABSTRACT

Local content is defined as maximizing the depth & breadth of local ownership, controlling & financing national, local & local activities & capital that are not currently implemented. Since the 1980s, the local content has entered the scientific literature & various researches have been done in the field of subject area. Therefore, the present study has used a systematic review of the literature with the aim of studying & summarizing the research literature in the field of local content, identifying research gaps & presenting suggestions in this field. By examining the keywords in the databases of this field & based on pre-determined criteria, appropriate articles were selected & the content of the articles were carefully studied & analyzed based on the answers to the questions of the present study. The results showed; Market stability & size, design & comprehensiveness of policies, industrial capabilities, social, cultural, economic & symbolic capital, government support & competitive incentives are the main factors for the effectiveness of local content in domestic industrial development. It will increase the promotion of localization of products, increase social participation, networking opportunities, competitive development, labor market & the development of the local economy.

Keywords: Local Content, Policies, Local Content Policies, Systematic Literature Review.





مقاله مروری

پیشایندها و پسایندهای سیاستی افزایش سهم داخل و دستاوردهای آن در توسعه صنعتی کشورها؛ مرور نظام‌مند ادبیات

حسین حیرانی^۱، ناصر باقری مقدم^{۲*}، علیرضا مسیبی^۳

- ۱- استادیار مدیریت فناوری مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران
- ۲- استادیار سیاست‌گذاری علم و فناوری مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران
- ۳- دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

*رایانامه نویسنده مسئول: Bagheri@nrsp.ac.ir



<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.87995>

تاریخ دریافت: ۱۷ مهر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱ اسفند ۱۴۰۰

چکیده

سهم داخل به حداکثر رساندن عمق و وسعت مالکیت محلی، کنترل و تأمین منابع مالی بر فعالیتهای داخلی و خارجی ملی، محلی و سرمایه‌ای که در حال حاضر اجرایی نشده، تعریف می‌شود. از دهه ۱۹۸۱ سهم داخل به ادبیات علمی وارد شده و پژوهش‌های مختلف و متنوعی در حوزه قلمرو موضوعی صورت گرفته است. از اینرو پژوهش حاضر با هدف مطالعه و خلاصه‌سازی ادبیات پژوهش در حوزه سهم داخل، شناسایی خلاهای پژوهشی و ارائه پیشنهادهایی در این زمینه از مرور نظام‌مند ادبیات استفاده کرده است. نتایج پژوهش نشان داد: ثبات و اندازه بازار، طراحی و جامعیت سیاست‌ها، قابلیت‌های صنعتی، سرمایه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نمادین، حمایت دولت و انگیزه رقابتی از عوامل اصلی اثربخشی سهم داخل در توسعه صنعتی داخلی به شمار می‌آیند که توجه به سهم داخل و عوامل آن بر افزایش ترویج بومی‌سازی تولیدات، افزایش مشارکت اجتماعی، فرصت شبکه‌سازی، پیشرفت رقابتی، بازار نیروی کار و توسعه اقتصاد بومی تأثیرگذار خواهد بود.

واژگان کلیدی: سهم داخل، سیاست‌ها، سیاست‌های سهم داخل، مرور نظام‌مند ادبیات.

مقدمه

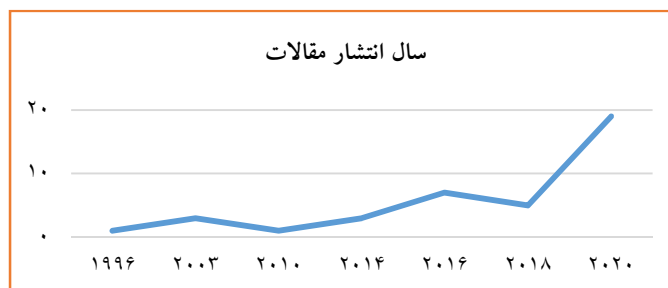
سهم داخلی در بخش نفت و گاز یک سیاست صنعتی است که توسط دولت‌های کشورهای غنی از منابع انتخاب شده است تا توسعه صنعتی بیشتری را از طریق ابزارهای غیر مالی ایجاد و فعالیت‌های اقتصادی، توسعه بازار و نوآوری‌های تکنولوژیکی را تحریک کند. الزاماً سهم داخلی دارای پیشینه‌های تاریخی در سیاست‌های حمایتی و جایگزین واردات است - نه تنها در توسعه صنایع استخراجی بلکه در سایر بخش‌های صنعتی نیز قابل استفاده می‌باشد (Filio & et al., 2019). سهم داخلی به حداکثر رساندن عمق و وسعت مالکیت محلی، کنترل و تأمین منابع مالی بر فعالیت‌هایی داخلی و خارجی ملی، محلی و سرمایه‌ای که در حال حاضر اجرایی نشده، تعریف می‌شود. سهم داخلی، کوانتوم یا درصدی از مواد تولیدی محلی، نیروی انسانی، منابع مالی، کالاها و خدمات ارائه شده در زنجیره ارزش صنایع اکتشافی است که می‌تواند براساس معیار پولی اندازه‌گیری شود (Maponga, 2016; Kalyuzhnova & et al., 2021; Musa, 2021). میزان ارزش افزوده تولید شده با استفاده از منابع و خدمات اکتشافی است که از طریق کاهش به خطر انداختن استانداردهای کیفیت، بهداشت، ایمنی و محیط زیست منجر به توسعه قابلیت بومی می‌شود. به عبارتی، سهم داخلی میزان استفاده از نهاده‌ها و محصولات محلی در تولید و ارائه کالا و خدمات در کل اقتصاد تعریف می‌شود (Ramdo, 2016; Childs, 2015). با توجه به تعاریف می‌توان بیان نمود که تعریف سهم داخلی یکسان نمی‌باشد و بنابه نحوه اجرا و سیاستگذاری‌های آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت می‌باشد. به همین منظور، سهم داخلی را می‌توان براساس نوع مالکیت یا براساس منطقه جغرافیایی تعریف کرد که هر یک از آنها انواع خاص خود را دارند (Lebdoui, 2019). به عبارتی، در تعریف استاندارد بین‌المللی، سهم داخلی براساس مالکیت محلی به چهار دسته مختلف تقسیم می‌شود: ۱) تأمین‌کننده متعلق به سرمایه خارجی اما در کشور واقع شده است (شرکت تابعه با مالکیت کامل)؛ ۲) تأمین‌کننده‌ای که بخشی از آن متعلق به داخلی است و اکثریت سهم آن خارجی می‌باشد؛ ۳) تأمین‌کننده‌ای که اکثریت آن متعلق به مالکیت داخلی (محلی) است، اکثریت سهام آن محلی می‌باشد؛ ۴) تأمین‌کننده‌ای که کاملاً متعلق به سهم و مالکیت محلی است (Nyembo & Lees, 2020). سهم داخلی یک ابزار صنعتی است که می‌تواند تولیدکننده‌های بومی را قادر سازد فعالیت‌های خود را حداقل تا حدودی با ورودی‌های بومی گسترش دهند و به تخصص‌های مدیریتی و فنی بین‌المللی دسترسی پیدا کنند. این عوامل روی هم رفته می‌تواند اقتصاد را بهبود بخشیده و تأثیرات رقابت بومی مثبتی دارند که رقابت تولیدکنندگان را بر سر بازار بین‌المللی افزایش می‌دهند. علاوه بر آن می‌تواند منجر به کاهش واردات کالاها و خدمات، افزایش اشتغال محلی و افزایش مالیات شود که بخشی از آن را می‌توان با ایجاد تأمین‌کنندگان محلی قوی برای این صنعت وارد بودجه کشور میزبان کرد (Ablo, 2015; Calignano & Vaaland, 2017). سهم داخلی می‌تواند با توسعه پایگاه صنعتی در انتقال تکنولوژی و توسعه تأمین‌کنندگان محلی نقش بسزایی داشته باشد؛ همچنین می‌تواند کارآفرینی را افزایش و از موسسات تحقیقاتی و آموزشی پشتیبانی کند. با دسترسی به استانداردهای بین‌المللی و الزامات عملکردی، رقابت-پذیر شود (Melyoki, 2017). ادبیات علمی در مورد سهم داخلی با کار گرمسن در سال ۱۹۸۱ آغاز شد و نزدیک به چهار دهه است که از انتشار مقاله گرمسن می‌گذرد و ادبیات پژوهش در حوزه سهم داخلی برای مرور نظام‌مند به اندازه کافی غنی شده و این مفهوم از منظرهای مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است ولی با بررسی‌های صورت گرفته هنوز پژوهشی به طور نظام‌مند و منسجم ادبیات سهم داخلی را بررسی نکرده و تصویر و نمای روشنی از تاریخچه چهار دهه مطالعه در این حوزه یافت نشده است. از این‌رو ضرورت بر آن شد که ادبیات پژوهش در حوزه سهم داخلی بررسی و به صورت نظام‌مند مرور شود. مروری از ادبیات به فعالان، سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان در مسیر تدوین سیاست‌ها و راهکارهای سهم داخلی در حوزه نفتی کشور کمک خواهد کرد. به همین منظور پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سه سؤال اصلی می‌باشد که عبارتند از: ۱. روش‌های اندازه‌گیری سهم داخلی در ادبیات کدامند؟ ۲. عوامل اصلی اثربخشی سهم داخلی بر توسعه صنعتی داخلی کدامند؟ ۳. تأثیرات اصلی سهم داخلی بر توسعه صنعتی داخلی کدامند؟

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از مرور نظام‌مند ادبیات سهم داخل استفاده شده است. مرور ادبیات، طرح نظام‌مند، آشکار و قابل تکراری برای شناسایی، ارزیابی و تفسیر مستندات ثبت شده است. مرور نظام‌مند ادبیات با استفاده از شناسایی الگوها، مضامین و مسائل، مطالعات انجام گرفته را خلاصه‌سازی می‌کند و سپس به شناسایی محتوای مفهومی پدیده مورد بررسی کمک می‌کند و در تدوین و توسعه نظریه نقش‌آفرینی می‌کند (Khalili Palandi & et al, 2021). مرور نظام‌مند ادبیات پنج گام را دربر می‌گیرد که عبارتند از: (۱) برنامه‌ریزی و حوزه‌شناسی؛ (۲) جستجوی نظام‌مند؛ (۳) ارزیابی نتایج جستجو؛ (۴) استخراج شواهد از آیتم‌ها؛ (۵) تجزیه و تحلیل (براینر و دنیر، ۲۰۱۰). به همین منظور، ابتدا براساس مطالعه اولیه اکتشافی، در گام اول برنامه‌ریزی و حوزه‌شناسی، در راستای مسئله و دغدغه اصلی پژوهش و نوشته‌های پراستناد، سوالات پژوهش در حوزه سهم داخل شناسایی و تدوین شدند. واژه‌های کلیدی «سهم داخل»، «سیاست‌های سهم داخل» و «قوانین سهم داخل» برای جستجو از پایگاه‌های داده در نظر گرفته شدند. در جستجوی ساختارمند برای مقالات از پایگاه‌های داده Springer، Science direct، Scopus، ProQuest، Emerald و مرتبط با عنوان پژوهش استفاده شد. در ارزیابی نتایج جستجوها از بین مقاله‌ها، فقط مقاله‌های چاپ شده از مجلات معتبر مدنظر قرار گرفتند و سال انتشار مقاله، نام، اعتبار مجله، حوزه مطالعاتی، تکنیک تحلیل و نوع روش‌شناسی مدنظر بوده است. بازه زمانی مقاله‌ها از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۲۱ بوده است. در انتخاب و ورود مقاله‌ها، مقاله‌های منتشر شده به زبان انگلیسی انتخاب شدند (تعداد کل مقالات ۴۳۹). واژه‌های کلیدی ابتدا در قسمت چکیده قرار گرفتند، اما نتایج رضایت‌بخشی نداشتند، زیرا بخش عمده‌ای از مقاله‌های یافت شده خارج از حیطه این پژوهش بودند. در ادامه واژه‌های کلیدی در قسمت عنوان درج شدند که نتایج بهتری به دست آمد. با توجه به این نکات، ۱۱۴ مقاله برای بررسی باقی ماند. با مرور سریع چکیده‌های مقالات یافت شده، مقالات غیرمرتبط حذف شدند و سپس متن مقالات به سرعت مرور شد و در نهایت ۳۹ مقاله برای بررسی متن اصلی باقی ماند. در مرحله استخراج شواهد، محتوای مقالات براساس پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش به دقت مطالعه و تحلیل شدند که این مرحله اغلب به عنوان تحلیل مضمون شناخته می‌شود. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر مبنای روش کدگذاری شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. در این پژوهش کدگذاری باز در طی مرور داده‌های جمع‌آوری شده و خلاصه نویسی‌های صورت گرفته از پژوهش‌های مختلف از طریق صورت‌بندی آنها در جداول متناسب انجام شد. به منظور سنجش پایایی چارچوب طراحی شده از شاخص کاپا استفاده شد. بدین طریق که شخص دیگری به عنوان خبره بدون اطلاع از نحوه بررسی انجام شده توسط پژوهشگران، اقدام به دسته‌بندی و تحلیل مقاله‌ها کرده است. سپس تعداد ارائه شده توسط پژوهشگر با مقالات مشخص شده توسط این فرد مقایسه شده است. در نهایت با توجه به خروجی به دست آمده مقدار شاخص کاپا برابر با ۰,۷۸ محاسبه شد که در سطح توافق معتبر و عالی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

واژه سهم داخل عمدتاً از دهه ۹۰ وارد ادبیات پژوهش شده است و از آن زمان تاکنون تمرکز مقالات بر روی معرفی این واژه، بررسی در حوزه‌های مختلف مطالعاتی و ابعاد آن بوده است. همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌گردد، توجه و تمرکز مطالعات بر روی پژوهش‌های سهم داخل در طی این سال‌ها روند صعودی داشته است. در آغاز ورود این واژه به ادبیات پژوهش، سیر توجه به این حوزه با تعداد کم آغاز شده ولی با حضور و گسترش در زمینه‌های علوم مختلف، صعود آن مشهود و قابل توجه می‌باشد به طوری که در طی چهار سال اخیر این روند رشد افزایشی چشمگیری داشته است.



نمودار ۱ - توصیف مقاله‌ها براساس سال انتشار.

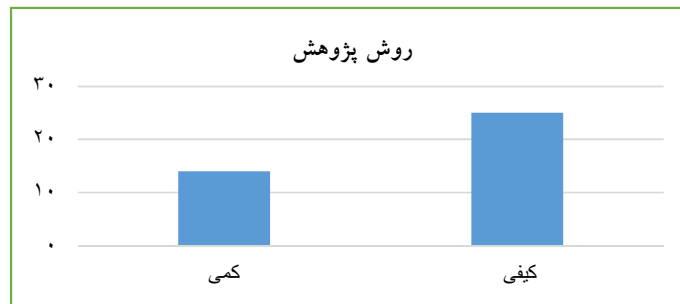
مقاله‌ها براساس مجله نیز بررسی شدند، وضعیت توزیع مقاله‌ها در مجله‌های مختلف در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱ - توصیف مقاله‌ها براساس مجله

فهرست مجله‌های لاتین	تعداد مقاله از هر مجله
The Extractive Industries & Society	۱۸
Resources Policy	۵
International Review of Economics & Finance	۲
Omega	۱
Pacific Economic Review	۱
Library Hi Tech	۱
Japan & the world economy	۱
World Development	۱
Energy Research & Social Science	۱
Signal Processing	۱
European Journal of Political Economy	۱
Energy Strategy Reviews	۱
Energy	۱
Energy Policy	۱
Neurocomputing	۱
Geoforum	۱
Renewable & Sustainable Energy Reviews	۱

همان‌گونه که در جدول ۱ قابل مشاهده می‌باشد پراکندگی مطالعه سهم داخلی در مجلات قابل مشهود است و در بین مجلات معتبر چاپ شده، مجله The Extractive Industries & Society بیشترین تعداد پژوهش‌های چاپ شده در حوزه سهم داخلی را در بررسی محل انتشار مقالات دارد. بعد از بیان آمار سال و محل انتشار مقالات مطالعه شده در ادامه به سه سوال پژوهش مطرح شده پاسخ داده می‌شود.

روش‌های اندازه‌گیری سهم داخل در ادبیات کدامند؟



نمودار ۲ - نوع روش پژوهش در مقالات.

مطابق با نمودار ۲، مقاله‌ها براساس نوع روش‌شناسی مورد استفاده دسته‌بندی شدند که از نظر صبغه پژوهش که کمی، کیفی و ترکیبی می‌باشد از کل مقالات بررسی شده صبغه بیشتر آنها کیفی بوده است. به عبارتی، در صبغه کمی، پژوهش‌ها از نظر هدف پیمایشی و به صورت میدانی بودند که ابزار پژوهش آنها پرسشنامه بوده است و تحلیل آنها به صورت فرایندی، آزمایشگاهی، تحلیل آماری و ریاضی صورت گرفته است. در صبغه کیفی که بیشترین فراوانی را داشتند ابزار پژوهش مورد استفاده مصاحبه‌ها، بررسی اسناد و مدارک، گروه کانون، مطالعه فعالیت‌ها و تحلیل موردی بوده است که تحلیل مفهومی صورت گرفته است. از این روی می‌توان بیان نمود که غلبه رویکرد کیفی و تفسیرگرایی در پژوهش‌های سهم داخل بیشتر می‌باشد.

عوامل اصلی اثربخشی سهم داخل بر توسعه صنعتی داخلی کدامند؟

تعریف مفهوم سهم داخل اهمیت زیادی دارد و در مقدمه، تعاریف متفاوتی از این مفهوم بیان شده و اذعان گردید که بسته به شرایط خاص تعاریف این مفهوم متفاوت می‌باشد و به صورت یکسان نمی‌باشد. به همین منظور با توجه به اهمیت مفهوم سهم داخل و عملکردی که می‌تواند در صنایع و فعالیت‌ها داشته باشد یکی از سوال‌های مهم و قابل طرح این بوده است که عوامل اصلی که موجب اثربخشی و بهتر انجام شدن و مدیریت موثر آن خواهد شد و در نهایت موجب توسعه صنعتی داخلی می‌گردد، کدام است. با مطالعه پژوهش‌های مناسب و مرتبط عوامل اصلی اثربخشی سهم داخل بر توسعه صنعتی داخلی شناسایی شدند که نتایج آن در ادامه در قالب جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲ - عوامل اصلی اثربخشی سهم داخل بر توسعه صنعتی داخلی

عوامل اصلی اثربخشی	تعریف	پژوهشگران
ثبات و اندازه بازار	سطح تقاضای بازار داخلی در قراردادها- درجه‌ای از میزان پیش‌بینی و ثبات در تقاضاهای بلندمدت.	آتینزا و همکاران (2019)، کمپ و اون (2019)
طراحی و جامعیت سیاست‌ها	وضوح و شفافیت قوانین و مقررات در توسعه سهم داخل و روش‌های اجرای آن.	چیپانگارا (2019)
محدودیت‌ها	سطح یا درصدی از محتوای تولیدات داخلی تحت قوانین و مقررات.	کمپ و اون (2019)
پایگاه صنعتی	سطح قابلیت‌های تکنولوژیکی در عرضه داخلی شامل مهارت‌های فنی، تخصص ظرفیت تولید شرکت‌های داخلی.	اسمیت و همکاران (2020)
قابلیت‌های صنعتی	توانایی‌های سازمان‌ها و نهادها در حوزه سیاست‌های انرژی و سیاست‌های علم و فناوری مرتبط.	مادولو (2014)
سرمایه اجتماعی	بیانگر عمق منابع در استفاده از روابط اجتماعی و شبکه‌های مورد کاربرد به منظور دستیابی به اهداف.	آبلو (2015)
سرمایه فرهنگی	مفهوم درک مشترکی از اعتبارات و دارایی‌ها در حوزه صنایع مختلف به طور خاص بخش نفت و گاز.	آوادیا (2014)
سرمایه اقتصادی	به معنای توجه به حقوق مالکیت‌ها، قوانین و مقررات و امور مالی می‌باشد.	ملوکی (2017)

عوامل اصلی اثربخشی	تعریف	پژوهشگران
سرمایه نمادین	شکلی از گونه‌های خاص سرمایه می‌باشد که در درک و شناخت قوانین و الزامات کمک‌کننده و قابل توجه می‌باشند.	آبلو (2015)
حمایت دولت	حمایت مالی دولت مانند انواع وامها جهت توانمندسازی شرکت‌های داخلی، حمایت دانشی و حقوقی دولت از شرکتهای مطرح داخلی	آددجی و همکاران (2016)
مشارکت شرکت‌های نفتی بومی	ایجاد انگیزه بیشتر در شرکتهای بومی جهت ارتقاء مهارتهای نرم و مدیریتی و برندسازی و نیز الزام و مشوق برای پیگیری جهت اخذ مجوزها و استانداردهای بین المللی	موندی (2015)
زیرساخت‌ها	تسهیل ارتباط بهینه شرکتهای داخلی و خارجی، حمایت حقوقی دولت از همه مهم تر ضمانت اجرایی آیین نامه ها، سرمایه گذاری و ضمانت دستیابی به فناوریهای سخت و نرم	عبدالکبیر و همکاران (2015)
انگیزه رقابتی	تمایل برای دستیابی به منابع و امکانات به منظور دستیابی به هدف.	لانگ و کینیوندو (2016)
قابلیت‌های تکنولوژیکی	توانایی و بهره‌مندی از فناوری‌های مورد نیاز.	اوسا و والد (2016)

تأثیرات اصلی سهم داخل بر توسعه صنعتی داخلی کدامند؟

سهم داخل در بستر صنایع استخراجی و دیگر صنایع، مهم به‌شمار می‌آید؛ اثرات مثبتی را در اقتصاد بومی ایجاد می‌کند که از آن میان می‌توان به مهارت‌های جدید، تعدیل سرمایه‌های خارجی یا ایجاد ارتباطات محلی اشاره کرد. همچنین از به حداکثر رساندن مزایای اقتصادی فزاینده‌ای که ایجاد می‌شود مازاد تولیدکننده عاید تأمین محلی می‌شود و مزایای اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. بر این اساس در جدول ۳ تأثیرات اصلی سهم داخل بر توسعه صنعتی داخلی برشمرده شده است.

جدول ۳ - تأثیرات اصلی سهم داخل بر توسعه صنعتی داخلی

پژوهشگران	تأثیرات اصلی سهم داخل
هنسن و همکاران (2020)، آبلو (2015)، آوادایا (2014)، عبدالکبیر و همکاران (2015)	ترویج بومی‌سازی تولید قطعات و تولیدات
	افزایش مشارکت اجتماعی
	دسترسی به اطلاعات و پایگاه داده‌ها
	فرصت شبکه‌سازی
	مقایسه اجتماعی
ماپونا و موسا (2021)، کالیزنوا و همکاران (2016)، لدویی (2019)، ملوکی (2017)	پیشرفت رقابتی
	انتقال دانش
	بازار نیروی کار
	افزایش منافع اقتصادی
	ناسیونالیسم منابع
هنسن و همکاران (2018)، آبلو (2015)، آددجی و همکاران (2016)	توسعه اقتصاد بومی
	تامین مالی پروژه‌ها
	تنوع‌بخشی صنعت
	توسعه صنایع متمرکز بر فناوری

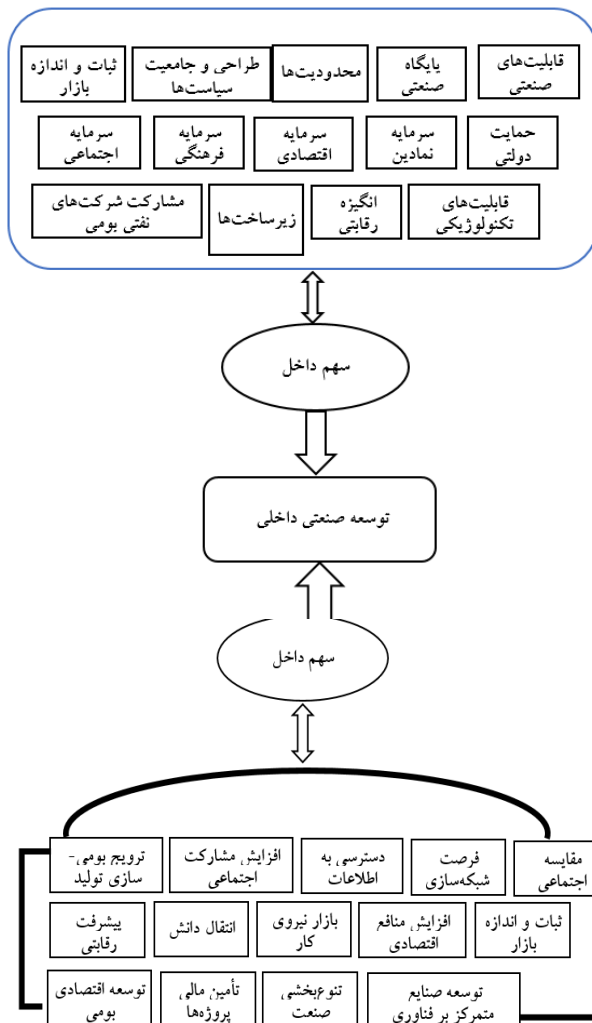
نتیجه‌گیری

با مطالعات صورت گرفته خروجی نتایج در قالب شکل ۱ ترسیم گردید که توضیحات آن در ادامه شرح داده خواهد شد.

همان‌گونه که در شکل ۱ مشاهده می‌گردد در ابتدای الگوی ارائه شده، عوامل اصلی اثربخشی سهم داخل بر توسعه صنعتی داخلی بیان شده است که این عوامل چهارده گانه عبارتند از: ثبات و اندازه بازار، طراحی و جامعیت سیاست‌ها، محدودیت‌ها، پایگاه صنعتی، قابلیت‌های صنعتی، حمایت دولتی، سرمایه نمادین، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، قابلیت‌های صنعتی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سرمایه نمادین، حمایت دولت، مشارکت شرکت‌های نفتی بومی، زیرساخت‌ها، انگیزه رقابتی، قابلیت‌های تکنولوژیکی، مشارکت شرکت‌های نفتی بومی، ثبات و اندازه بازار، طراحی و جامعیت سیاست‌ها، محدودیت‌ها، پایگاه صنعتی، قابلیت‌های صنعتی، حمایت دولتی، سرمایه نمادین، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، قابلیت‌های صنعتی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سرمایه نمادین، حمایت دولت، مشارکت شرکت‌های نفتی بومی، زیرساخت‌ها، انگیزه رقابتی، قابلیت‌های تکنولوژیکی، مشارکت شرکت‌های نفتی بومی.

جهانی شدن و گسترش رقابت در عرصه جهانی و فعالیت‌های اقتصادی موجب بروز و نمود بازیگران زیادی می‌شود که باعث ایجاد موانع و سخت‌تر کردن رقابت هر کشوری در عرصه جهانی می‌شوند. به همین دلیل برای ترویج بومی‌سازی و توجه به این مهم، حمایت دولت برجسته و چشم‌گیر می‌باشد. هر چند که باید اذعان داشت سهم داخل و الزامات آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت می‌باشد ولی در یک محیط رقابتی، حمایت دولتی برای مدیریت از ضروریات به شمار می‌آید (Melyoki, 2017).

در صنعت نفت و گاز، سرمایه نمادین می‌تواند شکلی از اعتماد به شرکت‌های خارجی باشد که شرکت‌های محلی می‌توانند در افزایش سهم داخلی خود از طریق عرضه رضایت‌بخشی و ارائه کالا و خدمات باعث ترویج سرمایه اجتماعی گردند که این امر با تفسیر و درک سرمایه فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود. از این رو به منظور افزایش سرمایه فرهنگی، درک تیم‌سازی، آموزش، توسعه حرفه‌ای و مسائل مربوط به کارآیی و اثربخشی در سهم داخل مهم می‌باشد (Ablo, 2015).



شکل ۱ - الگوی ارائه شده مرور نظام‌مند ادبیات سهم داخل.

(Ovadia, 2014). همچنین انگیزه رقابتی با مکانیسم اساسی مقایسه اجتماعی که یکی از تاثیرات سهم داخل می‌باشد موجب حداکثر کردن سود نسبی در مقایسه با عملکرد آن نسبت به رقیب می‌شود که در نهایت منجر به پیشرفت رقابتی می‌گردد (Adedeji & al., 2015). دولت‌ها فعالیت‌های مختلفی برای حفظ رفاه عمومی و اقتصاد کشور برعهده می‌گیرند، از جمله سیاست‌گذاری و کنترل محیط کلی کسب‌وکار کشور. وظایف نهادی مرتبط با صنعت گاز و نفت، سه مسئولیت اساسی را شامل می‌شود: سیاست‌گذاری، کنترل فنی و مدیریت منابع و مشارکت تجاری. ایجاد توازن مناسب بین مشوق‌ها و مقررات، یکی از وظایف مهم نهادهای صنعتی است تا بدین طریق مشارکت محلی از طریق شرکت‌های خارجی تقویت شود (Monday, 2015). به گفته والاند (2015)، نهادهای دولتی اثر مستقیمی بر توسعه سهم داخل دارند چرا که این نهادها چارچوب حقوقی هدایت‌کننده سیاست ملی سهم داخل را تنظیم می‌کنند. اما مهم‌ترین نقش این نهادها، ایجاد یک جو سرمایه‌گذاری در راستای توسعه کل کشور است.

سیاست‌های سهم داخل و نظارت بر اجرای این سیاست‌ها، بخش‌های مهم در افزایش مشارکت صنعتی محلی محسوب می‌شوند. برخی از محققان اعتقاد دارند که این مؤسسات باید بیش از اینها و از طریق توسعه خوشه‌های صنعتی و جغرافیایی

شرکت‌ها، پویایی صنعتی را مورد حمایت و انتقال تکنولوژی را تسهیل و فعالیت‌های تحقیق و توسعه را گسترش دهند (Owusu & Vaaland, 2016). از منظر شرکت‌های محلی، دولت‌ها می‌توانند به سه شیوه، سهم داخلی را دچار اختلال کنند (Hansen & et al., 2020).

۱) در بسیاری از کشورهای آفریقایی، جو اقتصادی برای توسعه صنعتی محلی مساعد نبود. اقتصاد محلی و سیاست‌های صنعتی محافظت زیادی ایجاد نمی‌کنند؛ و در عین حال، صنایع محلی نوپا را در موقعیتی قرار نمی‌دهند که امکان رشد و رقابت را داشته باشند. مناطق صنعتی معاف از مالیات، به کالاهای وارداتی اولویت می‌دهند، چرا که مواد اولیه بکار رفته در تولید صنعتی محلی، مشمول مالیات سنگین می‌شود. ۲) سیستم و نهادهای حقوقی با چالش‌های متعددی روبرو هستند که گاهی علت این چالش‌ها به فرهنگ سنتی مربوط می‌شود. این چالش‌ها اثر منفی بر جامعه دارند. سیستم حقوقی ممکن است قدرت پاسخگویی نداشته باشد یا از فساد رنج ببرد که این امور مانع سرمایه‌گذاری هستند. ۳) کمبود زیرساخت‌های عمومی می‌تواند مانعی برای سرمایه‌گذاری باشد و منجر به جذب کم سهم داخلی شود. برق ناپایدار تقریباً همه شرکت‌های بزرگ را مجبور کرده که ژنراتورهای پشتیبان تهیه کنند تا از خاموشی‌های موقت اجتناب کنند. چرا که این امر موجب آن می‌شود که این شرکت‌ها نتوانند به موقع محصولات و خدمات خود را ارائه کنند. در این خصوص، کالیزنوا و همکاران (2016) معتقدند که یکی از موانع ورود آفریقا به اقتصاد مبتنی بر دانش جدید، کمبود رایانه یا دسترسی به اینترنت نیست، بلکه عدم توانایی در تهیه و حفظ زیرساخت‌های مورد نیاز جهت تحویل به موقع خدمات و محصولات ضروری است. بنابراین، توانایی «خلق» قابلیت، از جمله چارچوب‌های سیاست ملی (به عنوان مثال، سیاست‌های سهم داخلی)، زیرساخت‌های ضروری کسب‌وکار، مشارکت اجتماعی و وجود یک سیستم حقوقی و مالی خوب برای مشارکت فعال شرکت‌های بومی ضروری است.

از سویی دیگر، اگرچه هدف الزامات و سیاست‌های سهم داخلی، ترغیب حضور شرکت‌های محلی در زنجیره تأمین است، اما اجرای این الزامات و سیاست‌ها نیاز به آن دارد که شرکت‌های محلی خود را به استانداردهای بین‌المللی برسانند. اگر شرکت‌های محلی، کیفیت و اعتبار مورد نیاز را نداشته باشند، وارد کردن شرکت‌های محلی در زنجیره ارزش نفت را نمی‌توان از طریق قوانین حقوقی نهادهای دولتی عملیاتی کرد. با این وجود، پایگاه صنعتی محلی در کشورهای در حال توسعه به نسبت رقبای جهانی، به شدت ناکارآمد است. توسعه تأمین‌کنندگان بومی، به خصوص در حوزه تکنولوژیک، تحت تأثیر منفی این واقعیت قرار می‌گیرد که این تأمین‌کنندگان، شرکت‌های کوچک و متوسط هستند و ارتباط ضعیفی با صنایع مبتنی بر منابع طبیعی و سازمان‌های یادگیری دارند. به همین دلیل لازم است که پایگاه صنعتی در کشورها تأمین‌کنندگان و کارمندان را در تراز بین‌المللی تربیت کند (Maponga & Musa, 2021; Childs, 2016). بنابراین همان‌طور که گفته شد، سه ذینفع اصلی برای بهبود و توانمند ساختن سهم داخلی ضروری است. برای مثال، مسئله کمبود سرمایه‌گذاری در دارایی‌های فیزیکی کالا در شرکت‌های ضعیف‌تر با کمبود سرمایه‌گذاری دولتی بدتر می‌شود. فساد که ناشی از سیستم بانکی و بازار مالی ضعیف است و سیستم حقوقی و زیرساختی غیرقابل اطمینان را نمی‌توان در سطح کسب‌وکار تغییر داد. اما، سهم داخلی هیچگاه نمی‌تواند محقق شود مگر اینکه خود شرکت، مسئولیت بهبود فرآیندها و ساختارهای کسب‌وکار خود را به عهده بگیرد (Filho & et al., 2019; Ramdoo, 2015). سهم داخلی یک سیاست صنعتی چالش‌برانگیز و پیچیده از لحاظ بوروکراتیک، مدیریتی، تجاری و مالی است. انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری لازم است تا اطمینان حاصل شود که صنعت نفت و گاز قادر به ارائه مزایای تجاری برای صاحبان خود و مزایای گسترده‌تری به کشورهای میزبان در چرخه‌های قیمتی است که قیمت نفت را مشخص می‌کند. در نهایت، هدف حداکثری دولت‌ها و مشاغل میزبان از این نظر- که اطمینان از سطح مطلوب بازده در طول عمر منبع حاصل کنند- بی‌شبهت به هم نیستند (Kemp & Owen, 2019). محرک‌های کلان اقتصادی و تعامل سیاست سهم داخلی با NIS برای موفقیت و اثر بلندمدت توسعه سهم داخلی بسیار مهم هستند. این امر به مجموعه‌ای از شرایط مختلف، از جمله اقتصادی، تکنولوژیکی و نهادی بستگی دارد. دولت‌ها براساس استراتژی‌های مختلف توسعه سهم داخلی براساس اهداف کلان اقتصادی مرتبط با شرایط کشورهای خود و چارچوب‌های نهادی که سیاست اقتصادی در آنها طراحی شده است، تصمیم‌گیری می‌کنند. سیاست سهم داخلی بیش از پیش به افزایش فوری درصد کارکنان داخلی و خرید توجه دارد. یکی از اهداف، آموزش و مشارکت فعال نیروی کار داخلی و توسعه محصولات جدید است. شرکت‌های نفتی بین‌المللی کارگران و ارائه‌دهندگان خدمات خارجی با مهارت‌ها و دانش مربوطه را به داخل می‌آورند و زمینه‌ای برای انتقال دانش و تخصص فراهم می‌کنند. ارائه‌دهندگان خدمات و تأمین‌کنندگان باید با سیاست

سهام داخل سازگار شوند. آنها مشاغل بیشتری ایجاد می‌کنند و به بازار محلی نزدیک‌تر هستند (Ramdoo, 2015). هدف کشورهای غنی از منابع، توسعه زنجیره تأمین کار، کالا و خدمات صنعت نفت و گاز داخل است. در بسیاری از موارد شرکت‌ها ملزم به تهیه حداقل درصد تجهیزات و خدمات از تأمین‌کنندگان محلی هستند. تعهد اعمال شده بر شرکت نفت در قرارداد با تأمین‌کنندگان و پیمانکاران خود منعکس می‌شود. محصولات و خدمات پرتعداد ممکن است درصد سهم داخل کمتری را در مقایسه با فعالیت‌های کم‌فناوری داشته باشند. این وضعیتی برای بسیاری از اقتصادهای نوظهور می‌باشد. با شرح همه مطالب بیان شده می‌توان ادعان داشت که هدف هر کشوری این است که با در نظر گرفتن عوامل اصلی سهم داخل و تاثیرات آن از نگاه کوتاه‌مدت به نگاهی بلندمدت گذر داشته باشند. زیرا توجه و بکارگیری سهم داخل در بلندمدت باعث افزایش ظرفیت اقتصادی، تولید و انتشار دانش به منظور توانمندسازی، رشد، نوآوری و تنوع می‌باشد. به عبارتی، می‌توان بیان نمود که ترویج بومی‌سازی تولید، افزایش مشارکت اجتماعی، دسترسی به اطلاعات، فرصت شبکه‌سازی، مقایسه اجتماعی، پیشرفت رقابتی، انتقال دانش، بازار نیروی کار، افزایش منافع اقتصادی، توسعه اقتصاد بومی، تأمین مالی، تنوع‌بخشی صنعت و توسعه صنایع متمرکز با فناوری از تاثیرات اصلی سهم داخل بر توسعه صنعتی داخلی می‌باشد. اگرچه در شکل ۱ ارتباط بین این تعاملات خطی است ولی می‌تواند غیرخطی و چندجهته باشد. به طور کلی هدف سهم داخل فراهم کردن فرصت‌هایی برای اهلی کردن مزایای چرخه صنایع در همه زمینه‌ها است تا از این طریق بتواند توسعه صنعتی و بومی را تضمین نماید و با نوسازی معماری توسعه ملی، صنعتی شدن را برای کشور به ارمغان آورد. به همین منظور برای گسترش سهم داخل بهتر است بر فعالیت‌های مرتبط با خدمات متمرکز گردد در حالی که در ادبیات سهم داخل تنها بر روی بومی‌سازی فعالیت‌ها توجه شده است. بومی‌سازی فناوری‌های خاص به منظور بومی‌سازی تولید محصولات خاص که موجب شایستگی‌های صنعتی در صنایع مرتبط با سهم داخل می‌باشد. سازمان‌های برنامه‌ریز باید نسبت به تقاضای بازار و ثبات آن اطمینان کامل داشته باشند. افزایش اثربخشی سهم داخل مستلزم همسویی سیاست‌ها و توسعه سیاست‌های صنعتی است. فعالیت و همکاری مستمر با تأمین‌کنندگان کلیدی فناوری به منظور گسترش قابلیت‌ها و پایگاه‌های صنعتی بر تسلط روند بازار و اثربخشی سهم داخل کمک خواهد کرد.

References:

- 1- Atienza, M., Arias-Loyola, M., & Lufin, M. (2019). Building a case for regional local content policy: The hollowing out of mining regions in Chile. *The Extractive industries & society*, 7(2), 292-301.
- 2- Adedeji, A. N., Sidique, S. F., Abd Rahman, A., & Law, S. H. (2016). The role of local content policy in local value creation in Nigeria's oil industry: A structural equation modeling (SEM) approach. *Resources Policy*, 49, 61-73.
- 3- Ablo, A. D. (2015). Local content & participation in Ghana's oil & gas industry: Can enterprise development make a difference? *The Extractive Industries & Society*, 2(2), 320-327.
- 4- Adedeji Abdulkabir, N., Sidique, S. F., Rahman, A. A., & Hook, L. S. (2015). Relationship among local content policy, indigenous oil firms' participation & job creation in nigeria: A theoretical concept. *Journal of Developing Areas*, 49(4), 425-437.
- 5- Briner, R. B., & Denyer, D. (2010). Systematic review & evidence synthesis as a practice & scholarship tool. In D. Rousseau (Ed.). *Handbook of evidenced-based management: Companies, classrooms, & research* (pp. 328-347). Oxford, UK: Oxford University Press.
- 6- Chipangura, N. (2019). "We are one big happy family": the social organisation of artisanal & small scale gold mining in Eastern Zimbabwe. *The Extractive Industries & Society*, 6(4), 1265-1273.
- 7- Childs, J. (2016). Geography & resource nationalism: A critical review & reframing. *The Extractive Industries & Society*, 3(2), 539-546.
- 8- Calignano, G., & Vaaland, T. I. (2017). Local content in Tanzania: Are local suppliers motivated to improve? *The Extractive Industries & Society*, 5(1), 104-113.
- 9- Filho, E. T., Palma, M. A. M., Perestrelo, M., da Hora, H. R. M., & Lira, R. A. (2019). The pre-salt layer & challenges to competitiveness in Brazil: Critical reflections on the local content policy in the oil & gas Sector. *The Extractive Industries & Society*, 6(4), 1168-1173.
- 10- Hansen, U. E., Nygaard, I., Morris, M., & Robbins, G. (2020). The effects of local content requirements in auction schemes for renewable energy in developing countries: A literature review. *Renewable & Sustainable Energy Reviews*, 127, 109843.
- 11- Kemp, D., & Owen, J. R. (2019). Characterising the interface between large & small-scale mining. *The Extractive Industries & Society*, 6(4), 1091-1100.
- 12- Kalyuzhnova, Y., Nygaard, C. A., Omarov, Y., & Saparbayev, A. (2016). Local content policies in resource-rich countries (p. 235). Palgrave Macmillan UK.
- 13- Khalili Palandi, Fereshte; Kordnaji, Asadollah; Khodadad Hosseini, Seyed Hamid & Shirkhodaei, Meysam. (2021). Systematic review of literature: comparative comparison of studies on purchase motives. *Researches of Management in Iran*, 25(1), pp. 117-135 [in Persian].
- 14- Lebdioui, A. (2019). Local content in extractive industries: Evidence & lessons from Chile's copper sector & Malaysia's petroleum sector. *The Extractive Industries & Society*, 7(2), 341-352.
- 15- Lange, S., & Kinyondo, A. (2016). Resource nationalism & local content in Tanzania: experiences from mining & consequences for the petroleum sector. *The Extractive Industries & Society*, 3(4), 1095-1104.

- 16- Maponga, O. P., & Musa, C. (2021). Domestication of the role of the mining sector in Southern Africa through local content requirements. *The Extractive Industries & Society*, 8(1), 195-210.
- 17- Madolo, N. V. (2014). Transformation of the mining sector of South Africa: Strategies beyond the life of the Mining Charter in 2014 (Doctoral dissertation).
- 18- Melyoki, L. L. (2017). The governance of the petroleum sector in Tanzania: Institutional arrangements & the role of the National Oil Company. *The Extractive Industries & Society*, 4(1), 180-190.
- 19- Monday, J. U. (2015). Local content policy, human capital development & sustainable business performance in the Nigerian oil & gas industry. *J. Mgmt. & Sustainability*, 5, 75.
- 20- Nyembo, N., & Lees, Z. (2020). Barriers to implementing a social license to operate in mining communities: A case study of peri-urban South Africa. *The Extractive Industries & Society*, 7(1), 153-160.
- 21- Owusu, R., & Vaaland, T. I. (2016). Local content in the oil & gas industries in Africa: How can a weak industrial base be included in the value chain. *Int. J. Energy Sector Manag*, 10(4), 594-616.
- 22- Ovadia, J. S. (2014). Local content & natural resource governance: The cases of Angola & Nigeria. *The Extractive Industries & Society*, 1(2), 137-146.
- 23- Ramdoo, I. (2015). Unpacking local content requirements in the extractive sector: What implications for the global trade & investment frameworks. by International Centre for Trade & Sustainable Development (ICTSD) 7 Chemin de Balexert, 1219 Geneva, Switzerland.
- 24- Smits, K. M., McDonald, L., Smith, N. M., Gonzalez, F., Lucena, J., Martinez, G., ... & Rosas, S. (2020). Voces Mineras: Clarifying the future of artisanal & small-scale mining collaborations. *The Extractive Industries & Society*, 7(1), 68-72.
- 25- Vaaland, T. I. (2015). Petro-stimulated corporate citizenship in developing countries. *Journal of Corporate Citizenship*, (59), 92-111.